

لرد بايرون

هرکس با ادبيات اروپائی آشنا باشد بايرون شاعر بزرگ انگلیسی را ميشناسد و از آثار بدیع و ممتاز او چیزی مطالعه کرده است . یکی از بهترین قطعات شعری او منظومه « چایلد هرولد » است که ترجمه فارسی آن در آتیه در مجله شرق منتشر خواهد گردید و اینک بعنوان مقدمه آن ترجمه شرح احوال خود شاعر در این شماره درج میشود

بايرون (۱) شاعر بزرگ و نامدار انگلیسی در ژانویه ۱۷۸۸

از يك خانواده نجیب و قدیمی در لندن متولد شده است

پدرش مردی تندخوی و فاسد الاخلاق بود و زن بیوهای را برای بچنك آوردن ثروتش جباله نکاح خود در آورد و همینکه دارائی او را تمام کرد او را طلاق گفت . مادرش هم زنی متکبر و لجوج بود و با فرزند خود هر وقت يك شکل رفتار میکرد یعنی گاه او را بیش از حد لزوم مینواخت و گاهی بشدت ویرا میآزرد . اخلاق والدین و طرز تربیت آنها در اخلاق و روحیات شاعر نفوذ بسیار کرده و تأثیر آن مادام العمر در زندگانی وی باقی ماند

۲۰۰

در مدرسه بايرون بدروس کلاس اهمیت نمیگذاشت و بیشتر بمطالعه کتبی که بذوق و قریحه او نزدیکتر بود میپرداخت . زبان فرانسه و ایتالیائی را بزودی فرا گرفت و در تمام مدتی که در مدرسه اقامت داشت جز با معدودی از همشاگردان خود حشر و مجالست نمیکرد در سن پانزده سالگی خواهان دختری هفده ساله شد ولی دختر چون او را کودک و خرد سال میدانست بمعاشقه اش و قری

ت نهاد و سال بعد شوهر اختیار کرد . این یأس و ناکامی در روح شاعر جوان بسیار سخت و ناگوار افتاد و خاطره آن تا آخر عمر همواره در قلب وی باقی بود .

در ۱۸۰۵ بمدرسه عالی « کمبریج » که غالب شعرا و نویسندگان نامی انگلیس نیز در آنجا تحصیل کرده اند داخل شد و در آنجا هم بدروس مدرسی اعتنائی نکرده غالب اوقات خویش را بسواری و شکار و تیر اندازی و سایر ورزش های بدنی میگذرانید

هنگامیکه هنوز در « کمبریج » بود شروع بسرودن پاره اشعار کرد و در ۱۸۰۸ اولین اثر فکرو قریحه خود را در یک جلد باسم « ساعات بیکاری » منتشر ساخت ، این اشعار غالباًست و نا رسا بود و از دهاء و قریحه ممتاز او که بعدها آن همه آثار بدیعه بوجود آورد کمتر در آنها اثری مشهود بود بدینجهت یکی از مجلات کتاب مزبور را مورد انتقاد قرار داده مقاله شدیدی در باره آن نوشت ، شاعر جوان از این حمله و انتقاد آزرده خاطر شده با خشم و هیجانی که ناشی از طبیعت عصبانی و روح عاصی او بود منظومه بنام « شعرای انگلیس و جریده نگاران اسکاتلند » در هجو منتقدین و حمله بعضی از معاصرین خود انتشار داد و تندى لحن اشعار و تازگی اسلوب آن بقدری مقبول عامه افتاد که چاپ اول آن در عرض يك ماه تمام شد و افسکار مردم متوجه شاعر جوان گردید .

در سنه ۱۸۰۹ بایرون بعزم آمدن به ایران و هندوستان از انگلیس خارج شده پرتغال و اسپانی و یونان را سیاحت نمود و به عثمانی رفت که از آنجا بایران بیاید لیکن در اسلامبول فسخ عزیمت ایران را کرد و مدتی در همان شهر اقامت نمود ، اما روح

سرکش او آرام و قرار نداشت و او را باینطرف و آنطرف سیاحت بروبحر می کشید. بایرون مشاهدات و تجارب خود را در طی این مسافرتها برشته نظم در آورد و در نتیجه دو قسمت اول از منظومه « چایلدهرولد » که یکی از بدیعترین شاهکارهای او می باشد بوجود آمد. این منظومه سراسر مملو از احساسات عمیق و رنگ آمیزی و نقاشی های استادانه بی نظیر است و اقبال و توجه عموم نسبت بدان بقدری بود که در عرض يك ماه هفت مرتبه بطبع رسید و شاعر جوان به قول خودش « یکروز صبح بیدار شد و خود را مشهور عالم یافت ! »

ثمره دیگر این مسافرتها افسانه های منظوم « گوهر » « عروس آیدوس » « دزد دریائی » و « لارا » است که همه آمیخته با عواطف عاشقانه و احساسات تند و مهیج میباشد.

۲۰۲

در ۱۸۱۳ بایرون بانگلستان مراجعت کرد و در لندن اقامت گزید. بواسطه صباحت منظر و زیبایی او زنها خیلی بوی راغب بودند و در مجالس و محافل گرد او جمع میآمدند لیکن او با دیده تحقیر بدانها مینگریست و در جائیکه راجع بایشان صحبت میدارد میگوید « زنها بچشم من مخلوقات ظریف و زیبا ولی در عین حال حقیر و فرومایه هستند . . . زنان را من کودکانی رشد کرده میدانم »

در ۱۸۱۵ دختری نجیب را بحباله نکاح در آورد و سال بعد نیز کودکی برایش متولد شد لیکن چون طرفین از ابتدا علاقه و محبت باهم نداشتند و بعلاوه شاعر دارای اخلاقی تند و زندگانی غیر منظم بود لهذا زوجه اش از او بستوه آمده بخانه پدرش رفت و دیگر حاضر بمراجعت به نزد وی نشد. این جدائی زن وشوهر تأثیر سوئی در اذهان عامه کرده و همه تقصیر را بگردن بایرون

گذاشتند و در اندک مدتی حس بد بینی مردم نسبت باو باندازه ای رسید که دیگر از ترس استهزاء و طعن آنها جرئت نمیکرد به نمایش خانه ها و محافل عمومی وارد شود .

منظومه « وداع » را بعد از جدائی از زنش خطاب باو نوشته و در بعضی از ابیات آن بقدری سوز و گداز و شکوه کرده است که خواننده را متأثر و متقلب میسازد

پس از این پیش آمد بیرون دیگر نتوانست در وطن خود بماند و در همانسال با قلبی شکسته و خاطری مایوس و اندوهگین انگلستان را الی الابد وداع گفت و در حینیکه عازم سفر بود این جمله را در ضمن مکتوبی یکی از دوستان خود نوشت : « اگر آنچه که مردم در حق من میگویند حقیقت داشته باشد من لایق انگلستان نیستم . اما اگر گفته های آنها عاری از حقیقت باشد در آنصورت انگلستان قابل توطن من نیست » .

در این تبعید اختیاری قدرت طبع و قریحه سرشار بیرون بحد بلوغ رسید و دوباره آغاز نویسندگی کرد . هنگامیکه در « ژنو » اقامت داشت قسمت سوم منظومه « چایلد هرولد » و اندکی بعد قسمت چهارم آنرا در « ونیز » پایان رسانید و بلافاصله نام خود را در ردیف اسامی مشاهیر شعرای انگلستان قرار داد . هر قسمت از این اشعار جدید او دارای نقاشیهای زیبا و توصیفات طبیعی بدیعی است که خواننده را بوجد میآورد و در هر صفحه آن منظری از مناظر دلربای طبیعت را بروی او باز میکند

در « ژنو » افسانه منظوم « محبوس شیاون » را برشته نظم در آورد و این منظومه از حیث عواطف و احساسات شاعرانه و روانی و لطافت ابیات در ردیف بهترین شاهکارهای او محسوب میگردد .

بایرون از سویس با ایتالیا رفت و مدتی در « وینز » و « راون » و « ژنوا » اقامت گزید و در همان ایام اقامتش در « راون » بود که « لامارین » شاعر معروف فرانسوی مکتوب مشهور خود را بعنوان او نوشت . در ایتالیا نیز بایرون مشغول نویسندگی بود و چند قطعه معروف خود را در آنجا پایان رسانید که از آن جمله است تأثر های « قایل » « مانفرد » « سارداناپال » و قطعات « رؤیای هملت » « بوب سوزی » و « دون ژوان » و غیره

« دون ژوان » طویلترین منظومه بایرون است و مخلوطی است از احساسات شاعرانه و هجویات و پاره تخیلات زیبا و حکیمانه . عاقبت بایرون از زندگانی بلا مقصود و نامنظم خود خسته شده و شهادت حیات و شادبهای آن در مذاق او کم کم تلخ میشد و پیوسته مترصد میبود که مشغله ای برای خویش پیدا کند و بقیه زندگانی را بجدیت و فعالیت بگذراند .

در همین اوقات یونان برای تحصیل استقلال و شکستن بند اسارت عثمانی تقلا و کوشش میکرد و بایرون که هواخواه و شیفته حریت بود از مجامعات و مساعی یونان در راه آزادی متأثر گردید و در سال ۱۸۳۳ بخمال کمک با آن مملکت کهن سال سوارگشتی شد و عازم یونان گشت .

در حینیکه هنوز بر ساحل دریا ایستاده و منتظر حرکت کشتی بود با رفقای خود وداع گرمی کرد و مثل آنکه از عاقبت کار خویش خبر داشته باشد بانها گفت « این آخرین ملاقات ما خواهد بود زیرا آوازی در ضمیر خویش میشنوم که میگوید من دیگر از یونان مراجعت نخواهم کرد » در « میسولونی » یونانیها بافتخار ورود او چندین لیر توپ شلیک کردند و با موزیک و احترامات فراوان او را استقبال نمودند .

کمی بعد منصب نظامی و فرماندهی یکعده قشون را نیز بوی دادند و بایرون در عملیات خود جرئت و شجاعت زیاد بخرج داد لیکن پیش از آنکه یونانیها از کمک و مساعدت او استفاده مهمی بکنند تب سختی بر او عارض شد و در نهم آوریل ۱۸۲۴ در سن ۳۶ سالگی دنیا را وداع گفت. شهرهای یونان برای دفن جنازه او باهم مشاجرات زیاد نمودند لیکن تابوت او را انگلیسها بانگلستان برده و چون نگذاشتند او را در «وست مینستر» مقبره شعرا و نویسندگان انگلیس دفن کنند لهذا جسد او را در کایسای قصبه ای بخاک سپردند.

یونانیها در سال ۱۹۳۴ بمناسبت سال صدم وفات او جشن عظیم و با شکوهی گرفتند و بطوریکه جراید اروپا در آن موقع خبر دادند مدت چند روز این جشن بطول انجامید و تمام ایالات یونان در آن شرکت جستند.

۲۰۵

در پایان این مقاله که شرح زندگانی بایرون بطور اختصار در آن درج گردیده لازم است چند کلمه هم در خصوص اشعار و مقام ادبی این شاعر بزرگ ذکر شود.

اشعار بایرون با وجود قدرت طبع گوینده و زیبایی و لطافت بسیاری از قطعات و ابیات آن دارای نقائصی عمده میباشد و بواسطه عجله که در نوشتن آنها میکرده است غالب آنها فاقد متانت بیان و انسجام مطلب میباشد.

اشعار و منظومات او بر خلاف آثار شعرای بزرگ مانند «همر» و «شکسپیر» که اخلاق و سجایای شخصی را بهیچوجه در تیریرات خویش نگنجانیده اند همه معرف اخلاق و خصوصیات خود اوست و در تمام آثار او یک روح عاصی و متمرد و یک قلب سوزان مملو از عواطف و احساسات دیده میشود که در حقیقت همان شخص بایرون میباشد.

اشعار بیرون فاقد آن تعالیم اخلاقی عالی است که بتواند سر مشق زندگانی و نوید سعادت بشری باشد و عموماً ناکامی های دوره زندگی او را نسبت بحیات بدین ساخته است و بدین جهت منتقدین او را پیرو « مکتب شیطانی » ادبیات می‌شمارند

بیرون علاوه بر شهرت فوق‌العاده ای که در خود انگلستان دارد در سایر ممالک اروپا نیز بی اندازه مشهور میباشد و « سنتر بوری » منتقد معروف انگلیسی میگوید « بیرون سرتاسر قاره اروپا را مسخر نمود و در تصرف خویش نگاهداشت وی یکی از عوامل مؤثر نهضت رمانتیک فرانسه بود و آثار او در شعرای رومانیک آلمان مخصوصاً هائرن نفوذ و تأثیر زیاد داشت بیرون را میتوان یگانه استاد و پیشوایی دانست که ادبیات روسیه جوان و ایتالی جوان و اسپانی جوان از او تاسی و پیروی کرده است .

راستی که هر کس آثار و نوشته های شعرای بزرگ و معروف قرن نوزدهم مانند لامارتین و موسه و پوشکین و لرماتوف و هاین را مطالعه کرده و با اشعار بیرون مقایسه نماید نفوذ و تأثیر بسیاری از این شاعر در آنها مشاهده مینماید و همه آنها را از سرچشمه صافی فکر و قریحه وی سیراب مییابد .

از آثار بیرون تا آنجا که نگارنده اطلاع دارم قطعات ذیل بفارسی ترجمه شده و برخی از آنها به طبع رسیده و بعضی دیگر هنوز چاپ نشده .

منظومه « دون ژوان » ترجمه آقای صورتگر

« « محبوس شیلون » ترجمه آقای احمدی بختیاری

« « عروسی آیدوس » ترجمه آقای شهرزاد

« « پاریزینا » باسر مرگ گلهها »

« تا ترمان فرد » و منظومه « چایلد هرولد » را هم خود نگارنده ترجمه کرده ام .

محمد سعیدی